

جُستاری در «هزار و یک شب»

دکتر احمد تمیم‌داری قسمت دوم

است، سخت‌کوشی دانشمندان غربی است که با پیگیری مداوم، به این کتاب پرداخته‌اند. مسئله دیگر، استقبال خوانندگان غربی است. اما اینکه منشأ و مبدأ کتاب «هزار افسان» از کجاست، سؤال بسیار مهمی است و به سادگی نمی‌توانیم به آن پاسخ گوئیم؛ زیرا این کتاب مبتنی بر اسطوره‌های ملل باستانی است و اسطوره‌ها مانند کتب علمی نیستند که منشأ و یا مؤلف خاصی داشته باشند. داستانها، نمایشنامه‌ها و اسطوره‌هایی که از میان ملتها و مردم جوامع گوناگون به دست آمده، نویسنده و مؤلف خاصی ندارد. آنچه می‌توانیم بگوئیم، این است که بسیاری از داستانها و اسطوره‌های ملی میان اقوام و ملل مشترک است، به ویژه در باره کتاب مذکور باید گفت که به یک ملت معین اختصاص ندارد. از اسامی و اصطلاحاتی که در کتاب آمده است، پاره‌ای از داستانها علاوه بر هند و ایران و عراق، به چین و آفریقا هم مربوط می‌شود.

اگر داستانهای گوناگون از ملل مختلف در کتاب آمده است، دلیل نمی‌شود که داستانهای پیشین هر یک نسخه‌ای جداگانه داشته یا در کتابی جدا تألیف شده بوده است؛ مهم این است که نشاخ و کتاب که کتاب را می‌نوشته‌اند، یا رونویسی می‌کرده‌اند، داستانهایی بدان می‌افزوده‌اند. داستانهای ملی و اسطوره‌ای و مذهبی، همچون اطفالی هستند که مراحل جنینی و کودکی و نوجوانی و جوانی را می‌گذرانند و به مراحل رشد و بلوغ می‌رسند؛ به ویژه اطفالی که از آغاز کودکی، بنا به تقدیر، یا ضروریات زندگی خانواده، در کشورها و سرزمینهای گوناگون و در میان آداب و رسوم مختلف رشد می‌یابند. داستانهای «هزار افسان» داستانهای عشق و خیانت و جادوگری و فداکاری و صداقت و خلاصه داستانهای آرزوهای خفته و بیدار انسان است که در شب و روز طولانی زندگی کم‌کم گرد آمده، از دورانی به دورانی دیگر منتقل شده، از سرزمینی به سرزمین دیگر سفر کرده، از شهری به شهری دیگر درآمده، حکمتها و اخلاق و ندرزها و آداب و رسوم شرقی در آن نفوذ یافته، از غنائز و شراب و زهر و رقص و قتل و دسیسه پر گشته، و در واقع داستان زندگی همه انسانهاست که آغاز و انجام ندارد.

بر پایه نظریات اسطوره‌شناسی و اسطوره‌شناسان، داستانهای «هزار و یک شب» از هند و چین شروع شده و به سرزمینهای ایرانی راه یافته و سپس در سرزمینهای عربی رحل اقامت افکنده و کم‌کم به کشورهای غربی رسیده و در طی هریک از مراحل مذکور، خصوصیات و رنگهای ملی و محلی به خود گرفته است. داستانها و اسطوره‌ها مربوط به وقایع اصلی زندگی بشر است. تاریخ، از روی عهد مکتوب شده و بیشتر به سلسله‌های سیاسی پرداخته است، اما داستان و اسطوره، داستان زندگی مردم است. داستانهای «هزار افسان»، داستان آن جهانگردی است که هزاران سال عمر کرده و

پیش از این در باره ترجمه‌های کتاب «هزار افسان» سخن گفتیم، کثرت و تنوع این ترجمه‌ها به زبانهای اروپایی نشان‌دهنده عمق نفوذ و تأثیر ادب و قصه‌نویسی شرقی در ادبیات اروپایی است. متأسفانه، ما خود بی‌خبریم که در گذشته ایام آثار ادب ایرانی و عربی و به طور کلی ادب شرقی چه مایه تأثیر شگرفی بر فرهنگ و ادب سرزمینهای غربی داشته است. اگر ترجمه‌های آثاری همچون «گلستان» و «بوستان» سعدی و آثار محمد جلال‌الدین مولوی و عطار نیشابوری و «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی و دهها نمونه از این انواع، چه در فارسی و چه در عربی، نام ببریم و به دقت بررسی و ارزیابی کنیم، گوشه‌ای از تأثیر فرهنگ شرق را بر غرب نشان داده‌ایم.

بازگردیم به ترجمه‌ها و اظهارنظرها در باره کتاب «هزار افسان»:

۱. و. فون شلگل، سانسکریت شناس آلمانی، اصل کتاب «هزار افسان» را هندی می‌داند، اما با توجه به تحقیقات فراوان اکنون کسی به این نظریه اعتقاد ندارد. دو ریشه مهم کتاب مذکور مربوط به افسانه‌های ایرانی و عربی است. اسطوره و داستانهای دیگر ملل نیز در کتاب راه یافته و پاره‌ای از قصه‌ها ریشه هندی دارد. هسته‌های داستانها با اسطوره‌های ملی ایران آمیخته گشته و همین حکایات به صورتهای دیگر به شمال آفریقا راه یافته و به صورت «الف لیله» و «لیله» درآمده است.^۱ در این باره مقاله ارزشمند دیگری با عنوان Earlier History of the Arabian Nights نخستین دوره تدوین داستانهای «هزار و یک شب» در مجله انجمن آسیایی سلطنتی مکتوب شده است.^۲

در باره اصل کتاب «هزار و یک شب» میان میلوستر دوماسی^۳ فرانسوی و فون هامر^۴ آلمانی جدالها و گفتگوهای فراوانی رخ داد. دوماسی صرفاً به مضبوطات مصری توجه داشت که در قرون وسطا به طبع رسیده بود. بر او پوشیده ماند که کتاب «هزار افسان» پیشینه‌ای طولانی دارد و به سرزمینهای ایران مربوط می‌شود. فون هامر موفق شد تحقیقات بیشتری در باره «هزار افسان» به عمل آورد. او به کتاب «مروج الذهب» علی بن حسین مسعودی و همچنین به فهرست ابن الندیم مراجعه کرد و قدیمترین آثاری را که مربوط به «هزار افسان» بود، مطالعه کرد. پاتریک راسل^۵ نسخه خطی دیگری از «هزار افسان» در حلب به دست آورد که کامل نبود و در واقع شبیه نسخه آنتوان جلاتند^۶ بود.

نسخه خطی راسل در دو جزء بود که جزء اول آن در کتابخانه ژان ریلاند^۷ موجود است.

در هر حال، ترجمه‌ها و تحقیقات در باره کتاب «هزار افسان» افزون بر این است که بتوانیم همه را در اینجا بیاوریم. آنچه مهم



همه سرزمینهای زندگی را دیده و طی کرده و دچار ماجراهای صعب و هولناک گشته و با هر طایفه و گروهی دادوستد و برخورد داشته است. «دعد و سلمی»، «لیلی و مجنون»، «خسرو و شیرین» و «رومنو و ژولیت»، همه و همه، داستان عشق است که اگر مقدس باشد، جهان را به شگفتی می اندازد.

یک قصه بیش نیست غم عشق و این عجب،

از هر زبان که می شنوم نامکرر است!

داستان «رستم و اسفندیار»، «ایلیاد»، «آدیسه»، «اولیس» و «زیگفرد»، همه و همه، داستانهای پهلوانی و پهلوانان همه ملتها و

امتهاست که از پهلوانان راستین حمایت کرده اند و با قهرمانان خائن جنگیده اند. قهرمانان داستانها، در واقع، مخلوق ذهن افراد بسیاری در جوامع گوناگون هستند؛ اما نمونه هایی به شمار می آیند از کسانی که در جهان واقع زندگی می کنند؛ رمزها یا مثللهایی اند برای مصداقهایی که در جهان عین به سر می برند. بخش مهمی از حکمتهای اخلاقی و دینی و اجتماعی که در آثار فیلسوفانی همچون سقراط، افلاطون، ارسطو، کنفوسیوس، فارابی، بوعلی سینا و... مطرح شده است، به طور تمثیلی، در زبان قصه های عامه بیان شده است؛ به ویژه که همه مردم دانشمند و فیلسوف نیستند و اوقات



MINA

فراغت زندگی خود را با شنیدن قصه و نقلی و پای معرکه‌ها و پرده‌خوانیها و تعزیه‌ها و همچنین در قهوه‌خانه و زورخانه‌ها و دیگر مکانهای تفریح عمومی به سر می‌آورده‌اند و قصه و قصه‌گویی از عوامل ترویج زبان و ادب و فرهنگ عامه به گونه‌ی سینه به سینه بوده است.

در قدیم، بسیاری از ادیبان و فیلسوفان، مردم را به عوام و خواص تقسیم می‌کردند؛ و برای عوام ارزشی قایل نبودند. اما امروز، با توسعه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی و مطالعات فولکلوریک، آداب و رسوم اجتماعی، مهمترین موضوع قابل تحقیق به شمار می‌رود. مردم، در مجالس انس گرد می‌آیند و هر کس هر هنری که دارد از خود بروز می‌دهد.

در ایران، قصه‌گویی و نقلی و مناظره و مشاعره از مهمترین اشتغالات مردم به شمار می‌رفته و اکنون رادیو و تلویزیون و نوارهای ضبط تصویر و صوت جای آنها را پر کرده است. قهوه‌خانه‌ها یکی از مراکز مهم نقلی و قصه‌گویی بوده است که همراه با چای و قلیان در آنجاها از مردم پذیرایی می‌شده است. درویشان و صوفیان گذشته، در خانقاهها و قهوه‌خانه‌ها، مریدانی چند به گرد خویش می‌نشاندند و معارف صوفیان و شرح احوال خارق‌العاده بزرگان و استادان خود را تقریر می‌کردند.

پیش از این، در باره قصه‌خوانی بحث کردیم که پس از اسلام به ظاهر مسلمانانی همچون تمیم بن اوس الداری، وهب بن نبه، کعب الاحبار و عبدالدین سلام در مساجد می‌نشستند و قصه‌های انبیا را برای مردم می‌خواندند و هدف آنان، به ظاهر، پند و موعظه بوده است. آنها قصه‌های انبیا را تحریف می‌کردند و مردم از این قصه‌خوانها فریب می‌خوردند. حضرت علی (علیه السلام)، در دوران کوتاه خلافت ظاهری خود، اینان را، بجز حسن بصری، از مساجد بیرون انداخت.

هوشمندان سیاسی، برای ادامه حکومت غلط و استبداد ننگین، از قصه‌خوانها حمایت می‌کردند و در تعقیب غرضهای گروهی و حزبی خود از قصه‌خوانها و شنوندگان آنان سوءاستفاده می‌کردند. قصه‌خوانها، روزها می‌خوابیدند و شبها با نیرو و طراوت به قصه‌گویی می‌پرداختند. و «هزار افسان» یکی از مشهورترین و بارزترین کتابهایی بود که قصه‌هایش را برای مردم نقل می‌کردند. البته، قصه‌های «هزار افسان» از قرن سوم قمری در دوران عباسی به زبان عربی ترجمه شد و در عالم اسلام رایج گردید.

در دوران بنی‌امیه و بنی‌مروان (۴۰-۳۲۲ق)، قصه‌خوانی رایج شد. گذشته از مساجد و محافل عمومی و خصوصی، فرماندهان نظامی در جنگها قصه‌خوانها را مقدم می‌داشتند تا اخبار جنگجویان موفق و قهرمانان حماسی را بر سربازان بخوانند. حجاج بن یوسف

ثقفی، از کسانی بود که این شیوه را به کار می‌برد. ابن اثیر، در تاریخ خود، در حوادث مربوط به سال ۷۷ قمری، از عتاب بن دقان نام می‌برد که یاران خود را در میدانهای جنگ با قصه‌خواندن به جنگ برمی‌انگیخت، و پیوسته می‌پرسید: قصه‌گویان کجا هستند؟ کیست که شعر عترة را روایت کند؟

در دوره‌های جنگ، شعر و قصه در خدمت و رکاب سیاست درآمد و قصه‌گویان برای اینکه به هر ترتیب مردم را برانگیزانند و به ویژه سربازان را تحریض و تشویق کنند، هر نوع دخل و تعرض را در قصه‌ها روا می‌دانستند. جنگها پایان می‌یافت، اما صحنه‌های غلط و دروغ و اغراق‌آمیز داستانها به جا می‌ماند. از این روی، در شناخت قصه‌ها، نه تنها باید شرایط تنظیم و تدوین آنها را در نظر بگیریم، بلکه باید شرایطی را هم که در آن قصه‌ها خوانده شده است، به دقت مطالعه کنیم. قصه‌ها دو مأخذ دارند: یکی گویندگان یا نویسندگان اصلی، دیگر روایانی که در آنها تصرف کرده‌اند و به حذف و اضافه پرداخته‌اند.

قصه‌گویان، گاهی تاریخ و دین را منحرف کرده‌اند، واعظان عامه میان دین و قصه‌ها پیوند داده‌اند و عالمان به کذب و بهتان قصه‌ها پرداخته‌اند و خلفای عباسی و خانهای مغول هم، همه را به بازی گرفته‌اند. قصه‌خوانی، از جهتی، وظیفه ندیمان درباری بوده است و از جهتی هم شغل روایان عامه. کم کم قصه خوانی یکی از پایگاههای هنری را تشکیل داد و شنیدن قصه به صورت یک نیاز اجتماعی درآمد. در دوران تسلط خلفای عباسی و در عصر غزنویان و سلجوقیان و خانان مغول و در دوران پراشوب جنگهای صلیبی، قصه‌خوانی به اوج می‌رسد؛ از طرفی در دربارها و از سوی دیگر در پادگانهای نظامی و از جهتی هم در میان مردم. قصه‌های درباری برای عشق و شور و طرب بوده است و داستانهای نظامی برای برانگیختن سربازان و داستانهای عامه هم برای آرامش‌بخشیدن و ایجاد تفریح و تفریح و برهم زدن هم و غم مردم مصیبت دیده. داستانهای «هزار افسان»، در دورانهای مذکور، به شدت خوانده می‌شده است و در آن از انواع داستانها که نیاز طبقات گوناگون را برآورد، وجود دارد. بر طبق روایت «تحفة الکرام» میر علی شیر قانع تتوی، در سال ۹۹۹ هجری که خان خانان عبدالرحیم با لشکری انبوه به سند فرود آمد تا آن سرزمین را از دست ترخانیان درآورد و به قلمرو اکبر شاه بیفزاید. در روزهایی که جنگ ادامه داشت، ابوالفضل غلامی، وزیر دانشمند اکبر شاه، چندین نامه فرستاد که در آنها تأکید شده بود در چنان آیامی مطالعه «شاهنامه» ی فردوسی ضروری است:

«ای هوشمند دل آگاه! مکرراً از خط خیرخواهی نوشته‌ام که در این ولایت، «ظفرنامه» و «چنگیزنامه» و «شاهنامه» مطالعه فرمایند.



منشأ افسانه‌ها و اساطیر

غرض آن است که هنگام گفتگو بر آن اساس باشد.^۳ در هند و ایران، به تناسب شرایط زمانی و مکانی و سیاسی و جنگی، داستانهای گوناگون از «هزار افسان»، «ظفرنامه»، «شرفنامه» و «شاهنامه» می‌خوانده‌اند. در سرزمینهای عربی نیز ایام عرب و اساطیر عجم را قصه‌گویان إلقا می‌کرده‌اند.

در مصر نیز نخستین کس از افراد شناخته شده که در حدود سال ۳۸ قمری مسئولیت قصه‌خوانی را رسماً به عهده گرفت، عنتر التجیبی بود. او مسند قضا را نیز در دست داشت. پس از او، قصه‌خوانان دیگر بیامدند و در دوران فاطمیان رشد یافتند و مناظرات را برای توسعه فقه شیعه ترویج کردند و قصه‌گویی و قصه‌خوانی را برای جذب دلها به مکتب اهل بیت (ع) به کار گرفتند. مقتل امام علی (علیه‌السلام) و مصایب امام حسین (علیه‌السلام) موضوع سخنرانی منابر و قصه‌خوانها بود که در ماههای رمضان و محرم بر مردم خوانده می‌شد.

گویند، در قصر العزیز و بالله واقعه‌ای رخ داد که در میان مردم مشهور شده بود و خلیفه، شیخ قصه‌گویان آن دوران (۳۴۴-۳۸۶ق) یوسف بن اسماعیل را احضار کرد و از او خواست با طرح قصه‌های عنتره بن شداد (۲۲ ق/۶۰۰ م)، شهرت آن واقعه را از ذهن مردم بزداید. عنتره بن شداد از مشهورترین قهرمانان عرب بود و همچنین از شاعران طراز اول عرب به شماره می‌رفت که مادرش حبشی بود و صورت او نیز به سیاهی می‌زد. عنتره، هم شاعر بود و هم شجاع. گویند که با امرؤ القیس، شاعر مشهور، ملاقات کرد. داستانهای او در شجاعت و حلم و عزت در میان عربان مشهور است. «قصه عنتره» از داستانهای خیالی است که محققان اروپایی آن را از بدایع آداب عرب به شمار آورده‌اند. داستانهای عنتره به زبانهای آلمانی و فرانسه ترجمه شده است. مستشرق آلمانی، توریسک، در سال ۱۸۶۸، کتاب عنتره را در هیلدبرگ آلمان به چاپ رسانید.^۴

قصه‌های عنتره، در قاهره، در هفتاد و دو جزء منتشر شد که در مجالس و محافل قاهره خوانده می‌شد و از آن زمان تاکنون ادامه دارد.

در قرن چهارم هجری، فن قصه‌گویی در قاهره و بغداد در دوران مقتدر عباسی (۲۹۵ - ۳۲۰ ق) و عزیز بالله فاطمی توسعه یافت و قصه‌گویان رسمی و ملی به گردآوری اخبار پرداختند و از مأخذ گوناگون مانند نویسندگان و جهانگردان و فرهنگ عامه بهره بردند.

در عراق، قصه‌ها از سوی نویسندگان تدوین شد و در داستانها ارجمندترین عواطف انسانی و زیباترین مناظر زندگانی گنجانیده شد. داستانهای عراقی (بغداد) زینت‌بخش مجالس خلفا و ملوک بود.





«صعاليك»؛ که در این گونه قصه‌ها بیشتر در بارهٔ حذب و جرح و قتل و غارت و سرقت بحث شده است.

در دورهٔ بنی‌امیه، بیشتر داستانهای اسرائیلی یا اسرائیلیات برای مقابله با مذهب تشییع تدارک شده است. اما کم تا قرن چهارم که دورهٔ اوج خلافت عباسی است، داستانها شکل ادبی دقیق می‌یابد؛ زیرا داستانها در دربار راه می‌یابد و شکل ادبی تشریفاتی به خود می‌گیرد.

داستانهای عامه، مقید به قوانین منطق و وقایع تاریخی نیست؛ الفاظ قبیح و کریه در آن فراوان است و زبان آن نیز از زبان عامه مایه می‌گیرد. حوادث داستانهای عامه چندان مربوط به هم نیست و وقایع حاشیه‌ای در آن فراوان راه می‌یابد. داستانهای عامه را خواص بیشتر برای خنده و تفریح می‌خوانده‌اند، اما برای عامه بیشتر جنبهٔ فرهنگی دارد.

پانویسها

1. A.W. Von Schelgel

2. Plot

Gaudefroy - Demombynes. *Les Cent et une Nuits*

این کتاب، بدون تاریخ در پاریس انتشار یافت و از مقدمهٔ ارزشمندی در هنر قصه‌نویسی برخوردار است. به نقل از:

Encyclopaedia of Islam. Journal of the Royal Asiatic. 1924. P:355.

۴. همان.

5. Sivester de Sacy

6. Von Hammar

7. Patrick Russel

8. Antoine Galland

9. John Ryland Library

۱۰. تحفة الکرام. میرعلی شیرقانع تنوی، به تصحیح پیرحسام‌الدین راشدی، بخش اول از مجلد سوم در تاریخ سند، ص ۲۶۹.

11. Thorbecke

۱۲. الاعلام. خیرالدین زرکل، قاموس تراجم، دارالعلم للملایین، طبع نهم، ۱۹۹۰م، بیروت، جلد ۵، ص ۹۱.

13. roman

14. fable

15. nouvelle

16. fiction

17. Brunetiere

فصاحت و بلاغت قصه‌گویان و شکوه و جلال شنوندگان و ظرافت موضوع داستان، همراه با زیبایی و اعتدال و کوتاهی (ایجاز)، عادت عربان را به یاد می‌آورد که در شعر و خطبه و رسایل و قصص، همواره ایجاز و اعتدال را رعایت می‌کرده‌اند.

جهشیاری و ابن دالان و ابن العطار، در قرن چهارم هجری، در عشق و عشرت و شادی و خوشگذرانی، قصه‌ها جمع‌آوری کردند. پیش از ایشان نیز سهل بن هارون و علی بن داود و ابان بن عبدالحمید قصه‌هایی در حکمت متعالی و سیاست گرد آورده‌اند. عیسی بن داب و هشام کلبی و هیشم بن عدی نیز داستانهایی در عشق دوشیزگان و سخاویت عربی تدوین کردند. این قصه‌ها، بیشتر مملو از عناصر عربی خالص است. داستان‌نویسی در مصر بیشتر مربوط است به آثار قصه‌گویان و داستان‌سرایان عامه، که داستانهایی را از کتب گوناگون با آنچه از عامه شنیده‌اند، تلفیق کرده‌اند و در مجالس عامه می‌خوانده‌اند و از این راه کسب روزی می‌کرده‌اند. از این روی، برای ادامهٔ ارتزاق خود، ناچار بودند داستانها را طولانی کنند و به اغراق و مبالغه پردازند. ادبیات داستانی در مصر به شکلی توسعه یافت که با ادب عرب به معنی خالص آن پیوندی نداشت.

این نوع قصه، که در مصر پیشرفت کرد، بیشتر به مفهوم کلمهٔ «رمان» نزدیک است. در قرون وسطا، داستانهای عاشقانهٔ پرماجرا، با وقایع عجیب و غریب همراه با اغراق و مبالغه، رمان خوانده می‌شده است.

داستانهای تمثیلی^{۱۱}، بیشتر اخلاقی است که در آنها از مثالها و نمونه‌هایی مثلاً از حیوانات استفاده می‌شود و کوتاهتر از رمان است. Conte نیز عنوان دیگری است برای داستانهای کوتاه و نوول^{۱۵}، اثری روایی و به نثر که مبتنی بر جعل و خیال^{۱۶} باشد. نوول، در انگلیسی، به معنی «داستان بلند» است که در فرانسه معادل آن رمان است. این نوع قصه‌ها و انواع دیگر ممکن است از یکدیگر نشئت یابند. برونتیور^{۱۷} فرانسوی، در تئوریهای ادبی خویش، بر اساس فرضیهٔ تکامل داروین و تبدل انواع، انواع ادبی را قابل تبدیل به یکدیگر می‌دانست.

در هر حال، قصه‌های عربی، در آغاز، نظم و إتساق و انسجامی نداشتند و بیشتر مربوط بودند به ادب «صعلوکی» یا ادب

